



رساله دکتری جلال خالقی مطلق باز نشر شد

«زن در شاهنامه» به چاپ دوم رسید

«زن در شاهنامه» رساله دکتری جلال خالقی مطلق در دانشگاه کلن در سال ۱۹۷۰است به زبان آلمانی که ترجمه انگلیسی آن در سال ۲۰۱۲ توسط انتشارات مزدا در کالیفرنیا منتشر شد. نگارنده در مقدمه بر آن بوده تا نقش جنس مؤنث را در اسطوره شناسی ایران مشخص کند تا روشن شود که این موضوع در «شاهنامه» نمود داشته یا نه و اگر داشته تا چه حد بوده است. مقدمه با داستان آفرینش مرد و زن پایان می یابد و مؤلف در آنجا آن را به داستان نخستین زن در «شاهنامه» مرتبط می سازد.

خالقی مطلق، در بخش نخست، چکیده ای موجز از داستان های مهم ترین زنان «شاهنامه» ارائه می کند و آن ها را با روایات دیگر منابع پیش از اسلام و عهداسلامی، تا آنجا که بر او شناخته و قابل دستیابی بوده، می سنجد. نگارنده کوشیده است در پایان هر بند ویژگی های شخصیتی آن ها را به اجمال باگو کند. از آنجا که شخصیت های زن در «شاهنامه» فراوان هستند و پرداختن به همه آن ها امری ملال آور است، نویسنده تمام زنان اسطوره ای و البته مهم ترین زنان بخش تاریخی «شاهنامه» را منظور داشته و آن ها را بنا بر طبقه اجتماعی شان، اشراف یا عامه، تقسیم بندی نموده است.

بخش دوم به بررسی جایگاه زن در «شاهنامه» می پردازد و ضمنا همواره منابع اسلامی و پیش از اسلام را مورد توجه قرار داده است. نگارنده، به اجمال، نقش، اهمیت و سرنوشت هریک از شخصیت های زن را در ادوار مختلف زندگی شان مانند دوره کودکی، و در نقش های همسری و مادری در قالب خانواده و همچنین جامعه توصیف می کند. از آنجا که «شاهنامه» کتابی درباب حقوق خانواده نیست، نگارنده اینجا برای پرکردن خلأ موجود از منابع دیگر سود جسته است؛ بنابراین، «شاهنامه» در این زمینه از تحقیق حاضر منبعی جانبی به شمار می رود، اما این امر روشن می سازد که موضوعات فرهنگی پیش از اسلام کمابیش به طور کامل در «شاهنامه» مطرح شده اند. فردیت زنان در «شاهنامه» و مقام اجتماعی آن ها در اثر سترگ فردوسی هم موضوعی است که در دو فصل مورد بررسی قرار گرفته است.

مریم رضایی این اثر را از روی متن آلمانی به فارسی برگردانده است.

نویسنده هم برای این چاپ یادداشت هایی بدان افزوده است.

«زن در شاهنامه»، نوشته جلال خالقی مطلق، ترجمه مریم رضایی، نشر بنیاد موقوفات محمود افشار با همکاری نشر سخن، ۳۰۶ صفحه، ۴۴۰ هزار تومان

منبع: ایران کتاب

صاحب خبر

پرونده ای برای منوچهر بدیعی در فصلنامه «فردان»

«زندگی جدی نیست»

فصلنامه فرهنگی و هنری «فردان»، ویژه منوچهر بدیعی، منتشر شد. به گزارش ایسنا، در شماره اخیر این مجله، پس از یادداشت سردبیر و در بخش «ارمغان مینوی»، که سلسله یادداشت های محمد دهقانی، نویسنده و مترجم، درباره مکتبی مینوی است، مطلبی با عنوان «مناظره مکتوب دیپلمات افغانستانی با مینوی درباره تاریخ صدر اسلام» منتشر شده است.

سپس، در بخش «گفت وگو و چند مقاله» که به منوچهر بدیعی اختصاص دارد، این مطالب را می خوانیم: «زندگی جدی نیست» (گفت وگو با استاد منوچهر بدیعی)، «استاد منوچهر عزیز» (نامه نجف دریابندری به منوچهر بدیعی)، «شخصیت بدیع بدیعی» (نوشته مسعود جعفری جزی) و «درباره منوچهر بدیعی و سابقه معرغم با او» (نوشته محمد دهقانی).

در بخش «تاریخ»، «ایرج افشار و تلاطم های روزگار او»، نوشته کاوه بیات، و «معضل بنیادین ترقی و توسعه» از محمد حسین خسروپناه درج شده است.

در بخش «اندیشه»، «گفت وگویی با ژانت درباره آیشمان» از سمبول گرتفن با ترجمه محمود حبیبی، و در بخش «فلسفه» نیز «متافیزیک شرقی»، نوشته رنه گتون، با ترجمه رسانه پورقراط، و «فلسفه در جهان اسلام چگونه شناخته شد؟» از احمد کاظمی موسوی منتشر شده است.

«شهریار، شاعر محلی یا ملی»، نوشته محمد جعفری (قنوتانی)، «استفاده از نظریه در تألیف رمان» از مایکل گرینی با ترجمه علی خزاعی فر، «ولان بارت، نشانه شناسی، اس/ز»، نوشته حسین رضائی لاکسار، «اولین تأملات نظری ادبیات کودک در ایران»، نوشته سیدعلی کاشفی خوانساری، و «طرحی در شناخت رضا قاسمی و زمانه اش»، نوشته فرام حقیقی، مطالب بخش «زبان و ادبیات» هستند.

در بخش «هنر»، «یک زندگی نامتحمل» نوشته دیوید بل با ترجمه رحیم قاسمیان منتشر شده است، «خاطرات خدمت از ایام کار در دادگستری»، نوشته سیدفضل...، مجتهدزاده، در بخش «خاطرات»، و «بیلبل از فیض گل موخت سخن» (یادامیر بانوکرمی) از شکوفه شهیدی، و «یک چپ وفادار» (یاد باقر مؤمنی) از انوش صالحی در بخش «یادبود».

بخش پایانی هم به نقد و معرفی کتاب اختصاص دارد. ششمین شماره فصلنامه فرهنگی و هنری «فردان» با صاحب امتیازی و مدیرمسئولی مرتضی هاشمی پور در ۲۲۷ صفحه و با قیمت ۱۵۰ هزار تومان منتشر شده است.

شهریار

شهریار NEWS.IR
۲۳ شهریور ۱۴۰۳
شماره ۲۳۴۴

۱۰



فرهنگ و ادبیات

«شاهنامه» کتابی است که هر ایرانی باید به نوعی آن را بشناسد، زیرا کتاب سرنوشت ایران است. [...] «شاهنامه فردوسی»، بیش از هر کتاب دیگر در زبان فارسی، سرگذشت و روح مردم باستانی ایران را در خود بازتاب داده است؛ بنابراین، می توانیم از او گواهی هایی بگیریم که ایرانی چگونه کسی بوده است و از زندگی

مدخل

باید در همین زمین عاید آدمی گردد. جهان بینی «شاهنامه»، حاصل یک دوران دراز تجربه قوم ایرانی است، در یک سرزمین پرماجرا و پرکشاکش، و به ما می گوید که چگونه باید زندگی کرد. «شاهنامه»، با آنکه از زمان های دور حرف می زند، آموزه هایش هنوز راه گشای هستند، و می توان گفت که با همه قدمت تازه ترین کتاب زبان فارسی است.

چه می خواسته. مردم به کتابی چون «شاهنامه» از دو جهت نگاه می کردند: یکی سیاسی، یعنی وسیله باز یافت شخصیت ملی خود، و دیگری انسانی، یعنی کتاب حکمت و عبرت و دستور نامه زندگی. «شاهنامه» کتاب واقعی نیست: انسان را از موضع خاکی خود بر نمی کند. آسمان جای خود دارد و زمین جای خود. هر چه هست و نیست

گفتاری از استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران درباره نقش مهم مردم و نخبگان سیاسی در «شاهنامه»

شاهکار فردوسی آوردن مردم به صحنه است



نگاره بی خردی کی کاووس در برشتن به اسنان

فریدون فرخ فرشته نبود ز مشک و ز عنبر سرشته نبود به دادودش یافت این نیکویی تو دادودش کن فریدون تویی نکته بسیار جالب دیگری که در «شاهنامه» هست این است که، اگر پادشاه به عدالت رفتار نکند، حتی نظم کیهانی به هم می ریزد؛ طبیعت سرقه برمی آورد، طوفان و زلزله و خشک سالی می شود. این ها، همه، نشان از استبداد، دیکتاتوری و ظلم شاهان است. فردوسی می گوید: چو بیدادر شد جهاندار شاه ز گردون نتابد بیایست ماه به پستان ها در شود شیر خشک نبودی به نافه درون نیز مشک زنا و ریا آشکارا شود دل نرم چون سنگ خارا شود به دشت اندرون گرگ مردم خورد خردمند بگریزد از بی خرد

همه چیز قدسی باشد و شهریاران دارای فره ایزدی و ثابت باشند، اصلا این طور نیست. فردوسی در «شاهنامه» می گوید «فر» چیزی دست نیافتنی است، فقط کسانی که دادودش خود دارند و از بدی به دورند به «فر» دست پیدا می کنند. در داستان طهمورث می گوید:

نشانه دادودش ابدانی کشور است

نکته بعدی مسئله دادودش است. یکی از مهم ترین محورهای امر سیاسی در «شاهنامه» دادودش است. دادودش یعنی عدالت صرف نیست، دهش هم هست. عدالت سیاسی خشک و خالی خیلی فایده ای ندارد؛ دهش هم باید باشد. دهش با آبدانی کشور همراه است. شاه بیت فردوسی این است:

همه چیز قدسی باشد و شهریاران دارای فره ایزدی و ثابت باشند، اصلا این طور نیست. فردوسی در «شاهنامه» می گوید «فر» چیزی دست نیافتنی است، فقط کسانی که دادودش خود دارند و از بدی به دورند به «فر» دست پیدا می کنند. در داستان طهمورث می گوید:

نشانه دادودش ابدانی کشور است

نکته بعدی مسئله دادودش است. یکی از مهم ترین محورهای امر سیاسی در «شاهنامه» دادودش است. دادودش یعنی عدالت صرف نیست، دهش هم هست. عدالت سیاسی خشک و خالی خیلی فایده ای ندارد؛ دهش هم باید باشد. دهش با آبدانی کشور همراه است. شاه بیت فردوسی این است:

همه چیز قدسی باشد و شهریاران دارای فره ایزدی و ثابت باشند، اصلا این طور نیست. فردوسی در «شاهنامه» می گوید «فر» چیزی دست نیافتنی است، فقط کسانی که دادودش خود دارند و از بدی به دورند به «فر» دست پیدا می کنند. در داستان طهمورث می گوید:

نشانه دادودش ابدانی کشور است

توشان در کالبد جانی که ستواری و برجایی ز بهر خیزش میهن دمیذی جانشان در تن همه چون عازرند آنان و تو همچون مسیحایی ...

سیاوش را گشوده است. در نهایت، نکته جالبی که به عنوان ویراستار باید مطرح کنم این است که چنان که می دانیم زبان فارسی در قرن پنجم گسترش بسیار خوبی داشت و در نتیجه آثار بسیار خوبی از قرن پنجم در دست داریم که درست نویسی را به سبک و سیاقی که امروز معیار می دانیم نمایش می دهدند. باوجوداینکه از نیمه دوم قرن ششم سروکله عربی نویسی پیدا شد، در این میانه، سهروردی نظریه های فلسفی خود را گاه به فارسی می نوشت، و علاوه بر آثار عربی، کتاب هایی را هم به فارسی به رشته تحریر درآورد. توجه سهروردی به زبان فارسی، آن هم در روزگاری که دبیران و منشیان با عربی نویسی فخرفروشی می کردند، بسیار ارزنده است. به همین دلیل، سهروردی را شخصیت بسیار ارزشمندی می دانیم که نه فقط طرحی نو در عالم فلسفه و عرفان درانداخت، بلکه این کار را در قالب زبان فارسی انجام داد.

چو جای بزم بگزینند خوبان در گلستان ها همه جان چون نسیم آرامشی وثریشم آوایی بدان روشن روان قانون اشراقی که در حکمت شقای بور سبنایی و نور طور سبنایی پناه رستم و سیمرغ و افریدون و کی خسرو دلیری بخردی رادی توانایی و دانایی اگر سهراب اگر رستم اگر اسفندیار بل به هبجا و هجوم هر یکی شان صحنه آرایی پناه آرند سوی تو همه در تنگنایی ها تویی سیمرغ فران که در هر جای ملجایی اگر آن جاود آنان در غبار کوچ تاریخ اند

که در منظومه ایران تو خورشیدی و یکتایی ز دیگر شاعران خواندم مدیح مستی و دیدم خرد مستی کند آنجا که در نظمش تو بستانی اگر سز نما کار هنر ها دانش و داد استی تویی رأس فضیلت ها که آغاز هنر هایی سخن ها را همه ز بیایی لفظ است در معنی تو را زبید که معنی را به لفظ خود بیارایی گهی در گونه ابر و گهی در گونه باران همه از تو به تو پویند جو باران که در بیایی چو دست حرب بگشایند مردان در صف میدان به سان تندر و تیین همه تن بانگ و هزایی

بزرگ جاودان مرد اهُشیواری و دانایی نه دیو روزی که امروزی نه امروزی که فردایی همه دیروز ما از تو همه امروز ما با تو همه فردای ما در تو که بالایی و والایی چو زینجا بنگرم ز آن سوی ده قرن ت همی بینم که می گویی و می روی و می بالی و می ایی به گردت شاعران انبوه و هریک قله ای بشکوه تو اما در میان گویی دماوندی که نهایی: سر اندر ابر اسطوره به زرفا زرف اندیشه به زیر پرتو خورشید دانایی چه ز بیایی هزاران ماه و کونک از مدار جان تو تابان

میراث خراسان

ازجمله تأثیرگذاران در سپهر اندیشه ایران زمین بی گمان شیخ اشراق است. او با باگشت به ایران و ایرانی بودن باعث شد توأمان به خردی آگاهانه، عاشقانه و عارفانه برسیم و این هاروارد او سرمایه عظیمی در تاریخ اندیشه ایرانی بود. شهاب الدین سهروردی به واقع یکی از شخصیت های رازگونه در ادبیات و اندیشه ایرانی است؛ بنابراین، او شخصیت عجیبی نیست - چنان که برخی می گویند - بلکه شخصیتی است رازواره.

در جایی می خواندم که غلامحسین ابراهیمی دینانی - که خود نویسنده، حکیم و فیلسوف است و درباره اندیشه سهروردی پژوهش هایی داشته است - نکته بسیار جالبی مطرح کرده بود با این تعبیر که سهروردی، خود، یک فردوسی است؛ یعنی، همچنان که فردوسی نقش اساسی و مهمی در تاریخ ایران به لحاظ هویت بخشی به فرهنگ و تاریخ ایران دارد، سهروردی نیز چنین جایگاهی دارد.

یادداشت

پیرضا خیرآبادی

روزنامه نگار و مدیر نشر ویراستاری

به پاس هشتم مرداد، یادروز شیخ اشراق

«سهروردی» فردوسی دیگر است

به دیگر سخن، فردوسی به مبانی فرهنگ، داستان ها و اسطوره های ایرانی می پردازد و شیخ اشراق نیز بر همین سیاق، به منابع هویتی و اسطوره ای تکیه می کند. درواقع، سهروردی از همین پایگاه حکمت خسروانی و مبتنی بر دانش و آگاهی باستانی ایرانی، با تأکید بر خرد، اعلام کرد که فیلسوف بعد از این باید به کشف و شهود بپردازد و راه حقیقت را بییماید. او «نورالانوار» را مبنا و مقصد خود معرفی کرد. جالب است که بابک عالیخانی، نویسنده کتاب «رموز اشراقی شاهنامه»، که شرح داستان سیاوش است، در این اثر به تعالیم اشراقی سهروردی پرداخته و - به تعبیر خود - با «روش اشراقی» رموز داستان